



Investigating and Ranking the Influence Paths of Religion on Economic Growth Using Analytic Hierarchy Process (AHP)

Mostafa Kazemi najafabadi: Associate Professor, Department of Social Sciences, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.

mostafakazemi@rihu.ac.ir | 0000-0003-2271-2714

Mahdi Roayaei: Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

m.roayaei@qom.ac.ir | 0000-0002-0866-3007

Abstract

Many studies confirm the influence of religion on economic growth. In this research, by analyzing the content of the research conducted in the field of religion and economic performance, it is shown that religion, affects economic growth through variables such as social capital, job performance, religious capital, human capital and ethics. according to researchers' investigations using Islamic research, components and indicators for the above factors have been identified. However, the main purpose of compiling this article is to rank the main paths of religion's influence on economic growth and to prioritize their realization from the point of view of the elites, therefore, it is necessary to evaluate the importance of the mentioned criteria and their sub-criteria. In this regard, one of the best methods for importance assessment and ranking is the Analytical Hierarchy Process, which can be used to assess and rank religious factors and variables effective in economic growth. The results of the model implementation show that among the main factors and paths, religious capital is the most important, which is acceptable considering the main topic of the research, i.e. the effect of religion on economic growth. In the next rank are moral factors and social capital, which have relatively the same value. Finally, according to the elites, job performance and human capital are the least important in this regard. In the final ranking, the components of familiarity and awareness of religious culture, as well as belonging to and dependence on religious culture were recognized as the most important.

Keywords

Economic Growth, Religion, Islamic Economy, Analytical Hierarchy Process (AHP).

بررسی و رتبه‌بندی مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی: دانشیار، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
mostafakazemi@rihu.ac.ir
مهدی رعایائی: استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
m.roayaei@qom.ac.ir

چکیده

تأثیر دین بر رشد اقتصادی در مطالعات نظری و تجربی متعددی بررسی شده و مورد تأیید قرار گرفته است. پژوهش حاضر در وهله نخست به دنبال تبیین جامع چرایی و چگونگی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی است که نتایج پژوهش بیانگر آن است که دین به عنوان یک پدیده چند بُعدی، از طریق متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، عملکرد شغلی، سرمایه دینی، سرمایه انسانی و اخلاق بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. در مرحله بعدی با بررسی و تحلیل مضامین و محتوای پژوهش‌های صورت گرفته، ۲۴ مؤلفه و شاخص برای عوامل فوق استخراج گردیده است. در ادامه نیز با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) رتبه‌بندی مسیرهای اصلی تأثیرگذاری دین بر رشد اقتصادی و اولویت‌گذاری آن‌ها از دیدگاه نخبگان به عنوان هدف اصلی مقاله دنبال شده است. نتایج پژوهش در این بخش نیز نشان می‌دهد که در میان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، سرمایه دینی بیشترین اهمیت را دارد. در رتبه بعدی نیز عوامل اخلاقی و سرمایه اجتماعی هستند و در انتها عملکرد شغلی و سرمایه انسانی کمترین اثرگذاری بر رشد اقتصادی را دارند. همچنین طبق نتایج پژوهش، از میان ۲۴ مؤلفه مطرح شده مؤثر بر رشد اقتصادی، مؤلفه‌هایی مانند رعایت هنجارهای دینی و حدود شرعی، آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی و همچنین تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی دارای بیشترین اهمیت و مؤلفه‌های بهداشت و سلامت جسم و آرامش روح و روان، توانایی و مهارت‌های رفتاری و ارتباطی، کمترین تأثیر بر رشد اقتصادی را دارند.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، دین، اقتصاد اسلامی، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP).

مقدمه

دین پس از آنکه طی قرون وسطی از زندگی اجتماعی و مجامع علمی دور مانده بود، طی قرون اخیر در همه زمینه‌ها از جمله در بررسی‌های علمی حرکت و رشد قابل توجهی داشته است. (عسگری و ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶) طبق دیدگاه کلمن دین به عنوان یک نظام معنایی می‌تواند بر سطوح خرد و کلان جامعه تأثیرگذار باشد. نمایش یا معرفی دین باعث شکل‌گیری نظام ارزش‌های اجتماعی در سطح کلان می‌گردد. این نظام ارزشی رفتارهای جمعی را شکل می‌دهد. همچنین تأثیر دین بر سطح خرد از طریق ایجاد ارزش‌ها و اعتقادات باعث بوجود آمدن گرایش و اعتقاد شده و تحت تأثیر کنترل‌های رفتاری منتج به ایجاد کنش می‌گردد که این کنش‌های فردی نیز بر رفتار فردی در سطح کلان تأثیر می‌گذارد. (پورفرج و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۴۰)

این مهم در مباحث اقتصادی ظهور بیشتری دارد. مطالعات دینی در چند سطح می‌تواند علم اقتصاد را تقویت کند از جمله تولید اطلاعات در زمینه رفتارها، اصلاح پاسخ سؤالات مربوط به اعتقاد، هنجار و ارزش‌ها توسط مدل‌ها، تبیین اثرگذاری دین بر گرایش‌ات اقتصادی و فعالیت‌های افراد و گروه‌ها و ... (عسگری و درخشان، ۱۳۹۰، ص. ۱۸) در واقع بین دین و اقتصاد یک ارتباط دو طرفه وجود دارد. مطالعاتی که دین را متغیری وابسته در نظر گرفته‌اند، به دنبال پاسخ به این سوال بوده‌اند که رشد اقتصادی چگونه بر نسبت دیندار به بی‌دین و نیز باورهای دینی در جامعه تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، مطالعاتی که دین را به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته‌اند، به دنبال پاسخ به این سوال بوده‌اند که دین چگونه بر ویژگی‌های افراد همچون اخلاق شغلی، صداقت و درجه مقتصد بودن افراد و در نتیجه عملکرد اقتصادی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. (مک‌کلیری و بارو، ۲۰۰۶، ص. ۴۹) در این پژوهش نیز از منظر دوم به تبیین رابطه بین دین و اقتصاد پرداخته می‌شود. در این میان یکی از مباحث مهم اقتصادی بحث رشد اقتصادی است که طبق بررسی‌ها شواهد تجربی زیادی تأثیر دین بر رشد اقتصادی را تأیید کرده‌اند. (پالانسا، ۱۹۸۶)

درواقع دین از طریق تقویت اخلاق، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و ... در سطح

فردی، سازمانی و اجتماعی بر عملکرد تاثیر مثبت گذاشته و در نتیجه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. این شواهد از طریق جستجوی جامع و روشمند کتاب‌ها و مقالات معتبر علمی-پژوهشی گردآوری شده‌اند. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، تحلیلی-توصیفی است. روش انجام پژوهش را می‌توان در سه بخش کلی خلاصه کرد. در اولین مرحله به شناسایی عوامل و مسیرهای اصلی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی و تبیین مؤلفه‌های هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود؛ در مرحله دوم، وزن نسبی هریک از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی (عوامل اصلی و معیارهای مستخرج در درخت تحلیل سلسله‌مراتبی) با استفاده از روش AHP تعیین و در مرحله نهایی نیز در شاخه خود و همچنین به صورت کلی اولویت‌بندی می‌شوند.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند در رابطه با تأثیر متقابل دین و اقتصاد، پژوهش‌هایی انجام شده است، اما طبق بررسی‌های صورت گرفته، پژوهشی که به صورت جامع به بررسی طرق و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی پرداخته باشد، به چشم نمی‌خورد. از این رو در ادامه به برخی از مطالعاتی که قرابت بیشتری با موضوع مقاله دارند، اشاره می‌شود.

قنبری نیک (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه دین و توسعه با تأکید بر آموزه‌های دینی» نقش آموزه‌های دینی بر اصل توسعه را بررسی نموده و به بررسی دیدگاه دین اسلام در این رابطه می‌پردازد. طبق نتایج این مقاله، آموزه‌های اسلام و دیگر ادیان الهی در موارد متعدد بر ابعاد توسعه تأکید داشته و داعیه‌دار این نکته است که منجی آخر نیز به مرز جغرافیایی محدود نیست و مسئولیت برپایی نظام الهی را در سطوح جهانی برعهده دارد.

مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، ضمن بیان اینکه از منظر قرآن کریم خداوند برای اداره جهان دو سازوکار مادی و مشهود و سازوکار جهان غیب و غیرمادی در اختیار دارد، معتقدند که آنچه بشر از راه کشف علمی بدان دست می‌یابد، سازوکار جهان مادی و محسوس است، اما سازوکار جهان غیب از طریق وحی به انسان می‌رسد. ایشان مؤلفه‌های غیرمادی رشد

اقتصادی را از گروه دوم دانسته که باید با استفاده از وحی الهی بدان دست یافت و در این مقاله آثار مؤلفه‌هایی از قبیل ایمان و تقوا، شکر، اقامه حدود و احکام الهی، استغفار و توبه و استقامت در راه حق بر روی رشد اقتصادی را تبیین می‌نماید.

یوسفی شیخ‌رباط و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه مذهبی (اخلاق) بر رشد اقتصادی»، «سرمایه مذهبی» را در کنار «سرمایه انسانی» و «سرمایه اجتماعی» به عنوان مکملی برای «سرمایه فیزیکی» در توضیح رشد اقتصادی کشورها در نظر می‌گیرند. ایشان با ارائه مدلی برای رشد اقتصادی، نشان داده‌اند که سرمایه مذهبی به عنوان یک متغیر کلیدی باید وارد مدل‌های رشد شود و انباشت سرمایه مذهبی می‌تواند به عنوان محرکی در جهت رشد درونزای اقتصادی عمل کند.

هادوی‌نیا (۱۳۹۸) در مقاله «تربیت اخلاقی و رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام» به بررسی چیستی و چگونگی تأثیر تربیت اخلاقی اسلامی بر رشد اقتصادی می‌پردازد. براساس یافته‌های تحقیق، تربیت اخلاقی مورد بحث مشتمل بر تربیت عقلانی در گستره عقل نظری، تربیت عقلانی در گستره عقلانیت ذاتی، تربیت عقلانی در گستره عقلانیت ابزاری، زهدگرایی اسلامی و افزون‌طلبی است. تحقق تربیت اسلامی در هر یک از این مراحل اثری مثبت بر رفتارهای اقتصادی داشته و باعث تقویت رشد اقتصادی می‌شود.

فراهانی‌فرد و زنگی‌نژاد (۱۳۹۹) پارامترهای غیرمادی موثر بر رشد را با تأکید بر عوامل استخراج شده از قرآن کریم به صورت مفهومی و ریاضی وارد مدل رشد کرده و آثار این متغیرها بر رشد اقتصادی را بررسی می‌نمایند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که با وارد کردن عوامل غیرمادی منتج از آموزه‌های دینی در مدل رشد می‌توان بهره‌وری عوامل تولید و به دنبال آن موجودی انواع سرمایه و درنهایت تولید ملی را افزایش داد به صورتی که پایه تولید ملی افزایش یافته و نرخ رشد آن به صورت غیرخطی و فزاینده درمی‌آید.

غفاری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) معتقدند که عقاید مذهبی می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر تولید و رشد اقتصادی مؤثر واقع شود؛ زیرا نگرش مذهبی افراد یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که باعث ایجاد اخلاق و نوع رفتار آتی آنان می‌شود. از این‌رو هدف این پژوهش بررسی اثر شاخص‌های ترکیبی سرمایه مذهبی در اقتصاد با تأکید بر رشد اقتصادی طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۱ در استان‌های ایران با استفاده از روش پانل

دیتا است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های ترکیبی سرمایه مذهبی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی (GDP) در استان‌های مورد مطالعه دارد.

در مطالعات خارجی نیز وبر^۱ برای اولین بار در سال ۱۹۰۵ میلادی، تفاوت رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را در تفاوت دین آنها دانست. ایده او در سال‌های اخیر توسط افراد مختلفی (هال^۲، ۱۹۸۶؛ لال^۳، ۱۹۹۸ و لاندز^۴، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۶) توسعه یافته است. (اشراف و گالور^۵، ۲۰۱۱، ص. ۵)

گویی^۶ و همکاران (۲۰۰۳) با تحلیل داده‌های ۶۶ کشور، نشان داده‌اند که گرچه در ادیان گوناگون تفاوت‌هایی وجود دارد، اما در مجموع دینداری با نگرش‌هایی که منجر به افزایش درآمد سرانه می‌شوند (اعتماد به دیگران، دولت و سیستم قانونی، قانون‌گریزی پائین و ...) در ارتباط است.

بارو و مک‌کلیری^۷ (۲۰۰۳) با تحلیل داده‌های ۵۹ کشور مختلف در بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱، نشان داده‌اند درحالی‌که ارتباط بین میزان شرکت در مناسک دینی و عملکرد اقتصادی منفی است، اما بین باورهای دینی همچون اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خدا و روز جزاء (بهشت و جهنم)، با متوسط رشد درآمد ملی ارتباط مثبتی وجود دارد.

نولاند^۸ (۲۰۰۵) در یک مطالعه بین‌المللی با تحلیل داده‌های چند ده سال اخیر، این فرضیه را که درصد جمعیت دیندار^۹ با عملکرد اقتصادی بی‌ارتباط است، رد کرده است. این مطالعه هم در سطح تک تک کشورها و هم در سطح بین‌المللی (با در نظر گرفتن مجموع داده‌های کشورها) انجام گرفته و نشان داده است که نه تنها اسلام مانع رشد اقتصادی نیست، بلکه تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. (نولاند، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۱۵)

مک‌کلیری و بارو (۲۰۰۶) در یک مطالعه بین‌المللی و با تحلیل داده‌های ۷۸ کشور و

-
1. Weber
 2. Hall
 3. Lal
 4. Landes
 5. Ashraf & Galor
 6. Guiso
 7. Barro, McCleary
 8. Noland
 9. Religious affiliation

بدنبال آن‌ها تورگلر^۱ (۲۰۰۹) اقدام به آزمون تئوری وبر نموده‌اند؛ نتیجه تحلیل داده‌های آن‌ها نشان می‌دهد که مطابق با ادعای وبر دین بر عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذارد؛ تحلیل مک‌کلیری برخلاف نظریه وبر، بین پروتستان‌ها و دیگر ادیان تفاوتی نشان نداد، درحالی‌که تورگلر نظریه وبر در خصوص تاثیر پروتستانیتسم بر افزایش عملکرد اقتصادی را تأیید کرد. (تورگلر، ۲۰۰۹، صص. ۴-۵)

سامانتا^۲ (۲۰۱۱) در یک مطالعه کمی و با استفاده از تحلیل داده‌های آماری کشورهای عضو اوپک، نشان داده است که دو متغیر فساد کمتر و حاکمیت ارزش‌های اسلامی، بر افزایش عملکرد اقتصادی در سطح ملی که با استفاده از تولید ناخالص ملی سنجیده شده است، تاثیر مثبت دارد.

عمر^۳ و دیگران (۲۰۱۵) بر مبنای داده‌های ۴۲ سال (۱۹۶۹-۲۰۱۱) نشان داده که دین اسلام بر رشد اقتصادی مالزی در این بازه زمانی تاثیرگذار بوده است. او شاخص اسلامی‌سازی^۴ را برای سنجش دین اسلام و شاخص سرانه تولید ناخالص ملی را برای رشد اقتصادی بکار برده است.

همانگونه که مشاهده می‌شود، هرچند در برخی مقالات برخی از عناصر و مؤلفه‌های اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، اما پژوهشی که همه موارد را با هم احصاء نموده و همچنین به بررسی مقایسه آن‌ها و رتبه‌بندی هر یک از این عناصر و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی پرداخته باشد، وجود ندارد که این مهم نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف رشد

افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین را رشد اقتصادی می‌گویند (متوسلی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱) که در مفهوم کلی خود، صرفاً پدیده‌ای کمی است. تودارو (۱۳۷۸، ص. ۱۱۷) نیز رشد اقتصادی را «فرایند پایداری که در اثر آن

1. Torgler
2. Samanta
3. Omar
4. Islamization index

ظرفیت تولید اقتصادی طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش درآمد ملی می‌شود»، می‌داند. لیکن از نظر کوزنتس رشد اقتصادی مفهومی دقیق‌تر دارد. براساس تعریف وی، افزایش بلندمدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای هرچه متنوع‌تر اقتصادی به مردم را رشد اقتصادی می‌گویند. درواقع طبق نظر وی، رشد اقتصادی هر جامعه، بیانگر رشد مداوم تولید است که در اغلب موارد با افزایش جمعیت و یا معمولاً با تغییرات زیربنایی همراه است. (کوزنتس، ۱۳۷۲، ص. ۱۱)

۲-۲. اهمیت رشد اقتصادی

می‌توان ادعا نمود که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته است، مگر آن‌که رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های اقتصادی آن برای تولیدات بیشتر، از اهداف آن باشد (یوسفی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۹). از این‌رو شناسایی مؤلفه‌های اساسی رشد همیشه به‌عنوان یکی از اهداف اصلی اقتصاددانان مطرح بوده است. (مشیری و التجائی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۵) این هدف حتی در هر سه مکتب اقتصادی اسلام، سرمایه‌داری و مارکسیسم مشترک است؛ البته با این تفاوت که رشد اقتصادی در مکاتب مادی به‌عنوان هدف نهایی و در اسلام به‌عنوان هدف متوسط (رفع نیازهای انسان در مسیر تکامل و تعالی) در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، رشد اقتصادی مطلوب است، زیرا اولاً، بهبود آشکاری در وضعیت معاش شمار زیادی از مردم پدید می‌آورد؛ ثانیاً، باعث افزایش محدوده انتخاب انسان در زندگی می‌شود؛ ثالثاً، سبب می‌شود میلیون‌ها نفر از انجام کارهای طاقت‌فرسای جسمی بی‌نیاز شوند و در وقت انسان‌ها صرفه‌جویی شود؛ رابعاً، موجب شکوفایی استعدادها و به‌کارگیری قوه ابتکار و خلاقیت در زمینه علوم مختلف گردد و درنهایت قدرت سیاسی- نظامی کشور را افزایش می‌دهد. (جهانیان، ۱۳۸۸، صص. ۳۷-۳۶) از این‌رو مطالعه در باب عوامل رشد اقتصادی خصوصاً از منظر آیات قرآن ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۲. راه‌ها و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی

بین دین و اقتصاد یک ارتباط دو طرفه وجود دارد. مطالعاتی که دین را متغیری وابسته در نظر گرفته‌اند، به دنبال پاسخ به این سوال بوده‌اند که رشد اقتصادی چگونه بر نسبت

دیندار به بی‌دین و نیز باورهای دینی در جامعه تاثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، مطالعاتی که دین را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته‌اند، به دنبال بررسی چگونگی اثرگذاری دین بر ویژگی‌های افراد همچون اخلاق شغلی، صداقت، درجه مقصد بودن افراد و در نتیجه عملکرد اقتصادی آنها بوده‌اند. (مک‌کلیری و بارو، ۲۰۰۶، ص. ۴۹) در اینجا هدف این نیست که ادیان را به لحاظ میزان تاثیر مثبت یا منفی آنها بر عملکرد اقتصادی مقایسه و رتبه‌بندی کنیم؛ بلکه فرضیه ما این است که اشتراکاتی در همه ادیان وجود دارد که از طریق این اشتراکات دین به‌طورکلی بر عملکرد اقتصادی در بلندمدت تاثیر مثبت می‌گذارد. عمده تحلیل‌های آماری در سطح ملی و بین‌المللی نشان‌دهنده تاثیر دین بر رشد و توسعه اقتصادی هستند که در قسمت پیشینه پژوهش به برخی از آنها اشاره شد. در این رابطه تذکر چند نکته ضروری است:

اول اینکه اعتقاد به تاثیر معنویات در اقتصاد، هرگز به معنای نفی یا تضعیف نقش اسباب مادی و رها ساختن استفاده از این عوامل نیست؛ بلکه مقصود این است که در کنار عوامل مادی همچون سرمایه، فناوری و نیروی کار ماهر، عوامل معنوی مانند اعتقادات دینی صحیح و اخلاق نیز در رشد اقتصادی موثر است. چنین باوری که عناصر معنوی را مبادی رشد اقتصادی می‌داند، بی‌تردید از منظر مکاتب اقتصادی معاصر به دیده شگفتی و انکار نگریسته می‌شود. (ایروانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۰۸-۱۰۹) با اینکه ما بخش عمده این پیوندها را درمی‌یابیم بخشی از آن از حیطه درک و دانش بشری خارج است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۹، ص. ۱۲۳) روشن است که در نیافتن تاثیر باورها و رفتارها بر رشد اقتصادی با تحلیل‌های رایج هرگز دلیل بر عدم تاثیر آن نخواهد بود و انکار آن با معیارهای علمی سازگار نیست.

دوم اینکه ارتباط بسیاری از باورها، اخلاق و رفتارها بر رشد یا رکود اقتصادی امری نیست که به دشواری دریافت شود. تاثیر ارزش‌هایی همچون احساس مسئولیت و وجدان کاری، نظم، صبر و استقامت و مانند آن بر اقتصاد و نیز نقش موثر آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری همانند ظلم، هواپرستی، تن‌پروری، احتکار، دزدی و خیانت در رکود و عقب‌ماندگی به روشنی قابل درک و اثبات است؛ بنابراین پیوند یاد شده، تنها ارتباطی ناشناخته و غیبی نیست؛ بلکه می‌توان قسمت عمده آنرا با معیارهای طبیعی و اسباب و

علل مادی بررسی کرد. پاره‌ای از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیز هرچند به ظاهر تاثیر مستقیمی بر فعالیت‌های اقتصادی ندارند، در واقع زمینه رشد یا رکود اقتصادی را فراهم می‌آورند و به گونه‌ای غیر مستقیم بر آن تاثیر می‌نهند. برای نمونه، احیای فرهنگ ارزشمند انفاق در جامعه، به توزیع عادلانه ثروت در جامعه کمک می‌کند.

نکته آخر نیز اینکه به طور کلی، ارتباط با خداوند و گرایش به معنویات، نهادینه شدن فضیلت‌های اخلاقی در جامعه و پرهیز از خصلت‌های ناشایست، عناصری هستند که در کنار تامین آرامش روحی افراد، موجب تقویت همگرایی اجتماعی و ایجاد فضای مناسب در تثبیت امنیت و عدالت می‌شوند که این فضا بستر مناسبی را برای رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم می‌سازد. (ایروانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۰۹-۱۱۱)

اما نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که تاثیر دین بر عملکرد اقتصاد و بهبود رشد اقتصادی را می‌توان از طریق مسیرهایی تصویر نمود که در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از سرمایه اجتماعی، عملکرد شغلی، سرمایه دینی، سرمایه انسانی و اخلاق. در واقع ضمن بررسی و تدقیق در ادبیات مربوط به این مسئله، می‌توان ادعا نمود که بیشتر مطالعاتی که قائل به اثرگذاری دین بر اقتصاد هستند را می‌توان ضمن این مؤلفه‌ها دسته‌بندی نمود. از این رو در ادامه به صورت مختصر به بررسی ادبیات مربوطه و چگونگی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی از مسیر مؤلفه‌های اساسی فوق پرداخته شده است.

۲-۳-۱. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق بهبود سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی نهفته در ارتباطات اجتماعی است که افراد از طریق آن توانایی کار گروهی برای رسیدن به یک هدف جمعی را بدست می‌آورند. (اسمیت^۱، ۲۰۰۳، ص. ۲) در طول دهه گذشته توجه‌ها همواره از انواع سنتی سرمایه (سرمایه انسانی و فیزیکی) به سمت سرمایه اجتماعی به عنوان عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی معطوف شده است. و مطالعات فراوانی تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی را بر رشد اقتصادی نشان داده‌اند. (کاوواس^۲، ۲۰۱۳) درواقع ارتباط همراه با اعتماد به دیگران نوعی سرمایه است که

1. Smidt
2. Kouvavas

همچون سرمایه‌های فیزیکی و انسانی قادر به ایجاد ارزش افزوده می‌باشد. به این سرمایه ارتباطی، سرمایه اجتماعی اطلاق می‌گردد.

بانک جهانی در سال ۱۹۹۸ سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای مفروض در برگیرنده نهادها، رابطه‌ها و ارزش‌هایی است که بر کنش‌ها و واکنش‌های مردم حاکم هستند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارند.» طبق تعریف بانک جهانی، سرمایه اجتماعی دربرگیرنده نهادهای رسمی و غیررسمی، نهاد خانواده، اقتصاد، سیاست و فرهنگ است. کنش‌ها و واکنش‌ها که در حقیقت پدیدآورنده نهادها هستند، خود بر پایه قاعده‌هایی سامان می‌یابند که بیان‌کننده ارزش‌ها هستند. (نظریور و منتظری‌مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۴۱) سرمایه اجتماعی از طریق کاهش نابرابری و فقر، افزایش کارایی بازار، رشد اقتصادی، کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی سایر سرمایه‌ها، ایجاد نهادها و سازمان‌های اقتصادی و بهبود عملکرد آن‌ها، توسعه بازارهای مالی و افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال، افزایش معاملات و نیز افزایش نوآوری و فناوری بر عملکرد اقتصاد تأثیر می‌گذارد. (عسگری و توحیدی‌نیا، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۹)

شواهد و مطالعات بسیاری در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی وجود دارد. دیندا^۱ (۲۰۰۸)، با ارائه شواهد تجربی فراوان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه‌های انسانی و رشد اقتصادی تأثیر مهمی دارد. تحلیل داده‌های مرتبط با ۱۱ کشور در آمریکای شمالی و جنوبی بین سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۱۴ نشان‌دهنده تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در این کشورهاست. (آگولرا، ۲۰۱۶) تامپسون^۳ (۲۰۱۵) نیز نشان داد که سرمایه اجتماعی از طریق افزایش نوآوری اقتصادی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد. زمانی که سرمایه اجتماعی در گروه‌های رسمی بالا باشد، هزینه کار جمعی کاهش یافته، تعامل افراد تسهیل شده و افراد این اطمینان را پیدا می‌کنند که روی فعالیت‌های جمعی سرمایه‌گذاری کنند. در چنین شرایطی افراد کمتر تمایل به رفتارهای غیرقانونی و تخریب منابع برای کسب منافع زودگذر پیدا می‌کنند. (پرتی^۴،

1. Dinda
2. Aguilera
3. Thompson
4. Pretty

۲۰۰۳) بوسما^۱ (۲۰۰۴) با بررسی کسب و کارهایی در هلند گزارش داد که افزایش سرمایه‌های اجتماعی سبب بهبود عملکرد کسب و کار (سازمان) می‌شود. باتجارگال^۲ (۲۰۰۳)، با مصاحبه رودرو با ۷۵ کارآفرین روس، تاثیر سرمایه اجتماعی این افراد را بر عملکرد کسب و کار آنها بررسی نمود. نتایج نشان داد که دو بُعد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی این افراد بر عملکرد کسب و کار آنها اثر مثبت دارد. آنچه که از برخی مطالعات دیگر نیز می‌توان به دست آورد این است که افزایش سرمایه اجتماعی سبب افزایش بهره‌وری در سطح فردی و گروهی می‌شود. (پاتنام، ۲۰۰۰، ص. ۱۶) به عنوان نمونه کارمندان و مدیرانی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند، دسترسی بهتری به اطلاعات و منابع مورد نیاز سازمان داشته و با ذینفعان سازمان شبکه ارتباطی قدرتمندی را شکل می‌دهند. بنابراین این افراد ارزشی فراتر از توانایی‌ها، مهارت‌ها و دانش فردی خود دارند و قادر به ایجاد یک شبکه یادگیری هستند. (دس^۳، ۲۰۰۱)

در واقع ادعا این است که دین ضمن تقویت این سرمایه، عملکرد در سطوح فردی، گروهی و سازمانی را افزایش داده و باعث رشد اقتصادی می‌گردد. به عنوان نمونه شرکت در مراسم دینی (کلیسا) موجب افزایش سطح سرمایه‌های اجتماعی شده که موجب کاهش احتمال ورشکستگی کسب و کار شده و در نتیجه بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت می‌گذارد. (هانسن^۴ و هانسن، ۲۰۰۸) این مهم در شواهد تجربی بسیار دیگری نیز مورد تأیید قرار گرفته است. ابستین کینگ^۵ (۲۰۰۴)، با بررسی ۷۳۵ دانش‌آموز آمریکایی، گزارش می‌دهد که افزایش فعالیت‌های دینی در این جوانان منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. پاتنام^۶ (۲۰۰۰)، گروه‌های ایمانی را مهمترین منبع ایجاد سرمایه اجتماعی در امریکا معرفی می‌کند. واثنو^۷ (۲۰۰۲)، با انجام مطالعه‌ای در سطح ملی در امریکا (جامعه آماری بیش از ۵۶۰۰ نفر) نشان می‌دهد که عضویت در گروه‌های دینی یا رهبری این گروه‌ها موجب افزایش سرمایه اجتماعی افراد می‌شود. اسمیت (۲۰۰۱) نیز شواهدی را

-
1. Bosma
 2. Batjargal
 3. Dess
 4. Hansen
 5. Ebstyn King
 6. Putnam
 7. Wuthnow

ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه گروه‌های دینی در نیوهام انگلستان منبع ایجاد سرمایه اجتماعی در این منطقه هستند.

۲-۳-۲. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق بهبود عملکرد شغلی

در سال ۱۹۰۴ ماکس وبر تئوری معروف خود اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری را ارائه داد و در آن توسعه اقتصادی در اروپای شمالی را ناشی از ظهور ارزش‌های مذهب پروتستان دانست؛ تقدس کار به عنوان یک ماموریت دینی، انباشت سرمایه، سرمایه‌گذاری مولد و فعالیت‌های کارآفرینانه. (ایر^۱، ۲۰۰۷، ص. ۴، ۵) در این رابطه لوتر، زوئینگلی، و کالوین^۲ سه الیهیدانی بودند که در اصلاحات دینی و مقدس نمودن کار از نظر دین تأثیر بسزایی داشتند. زمانی که لوتر کار را به‌عنوان راه رستگاری و ماموریتی مقدس معرفی نمود، کار به عنوان یک فعالیت دنیوی برای سپاسگزاری از خداوند در نظر گرفته شد. زوئینگلی تلاش شغلی را تا این حد تقدس بخشید که کارگران سخت‌کوش را شبیه‌ترین به خداوند معرفی نمود. به دنبال این دو، کالوین نیز ستایش و تأیید کار توسط دین را به این صورت بیان نمود: «هر فردی برای معنا بخشیدن به زندگی و رهایی از سرگردانی باید شغلی را (که ماموریتی مقدس از جانب خداست) انتخاب کند.» (برنشتاین^۳، ۱۹۸۶، ص. ۸) البته برای ارائه یک فهم عمیق و کامل از چگونگی تأثیر دین بر عملکرد اقتصادی حتماً باید متغیرهای میانجی نیز لحاظ شوند و نباید فقط به اثر مستقیم این فعالیت‌ها بر عملکرد اقتصادی کوتاه‌مدت اکتفا نمود. (شیموزو^۴ و دیگران، ۲۰۱۵، ص. ۱۸)

دستورات و توصیه‌های بسیاری در منابع دینی خصوصاً در دین مقدس اسلام وجود دارد که بر تقدس کار و فعالیت اقتصادی تأکید نموده و افراد را به درستکاری، احساس مسئولیت، انجام وظیفه به بهترین صورت، تعهد و ... فرا می‌خوانند که همگی تأثیر مثبتی بر بهبود عملکرد شغلی و در نهایت رشد اقتصادی دارند. به‌عنوان نمونه در صورتی که فرهنگ کار و تلاش در جامعه حاکم باشد و کسب رضایت خداوند به‌عنوان پشتوانه معنوی وجدان جمعی برای افراد جامعه در جایگاه مهمی قرار داشته باشد، می‌توان سطح

1. Iyer
2. Luther, Zwingli, Calvin
3. Bernstein
4. Shimazu

بالایی از کارآمدی را در جامعه مشاهده نمود. (مرادی حقیقی، ۱۳۹۴، ص. ۷۵) همچنین توصیه دین به رعایت نمودن قوانین و مقررات باعث می‌شود تا هزینه‌های اجرای قانون در جامعه کاهش یابد که باعث رشد اقتصادی جامعه می‌گردد (عزتی و شفیعی، ۱۳۹۲) و علاوه بر این رعایت انصاف و عدالت که از توصیه‌های اصلی هر دینی است، روحیه کارکنان را بالا می‌برد و آنان با اعتماد و اطمینان به آنکه حقشان ضایع نمی‌شود با دلگرمی بیشتر به ارائه خدمات می‌پردازند.

این مهم در مطالعات تجربی نیز مورد بررسی قرار گرفته که نتیجه آن، تأیید اثر مثبت دین بر بهبود عملکرد کاری است. به عنوان نمونه در مطالعه‌ای نشان داده شد که اختصاص زمانی برای ارتباط با خدا در محیط کار، روابط بین کارکنان را بهبود داده، نرخ خروج از خدمت را کاهش داده و بهره‌وری کارکنان را نیز افزایش می‌دهد. (مک‌کارتی^۱، ۲۰۰۷، ص. ۹۷) با مطالعه‌ای که بر روی یک جامعه آماری متشکل از ۶۹۵ نفر مهاجر ژاپنی در امریکا صورت گرفت، نقش متغیرهای دینی (همچون مشارکت در فعالیت‌های دینی، هویت دینی، میزان دینداری خانواده فرد) و متغیرهای غیر دینی (همچون طبقه اجتماعی خانواده فرد و میزان تحصیلات) بر موفقیت اقتصادی افراد ارزیابی شد. نتایج حاکی از آن بود که متغیرهای دینی تأثیر قوی بر درآمد و میزان خوداشتغالی افراد داشته‌اند. (وودرام^۲، ۱۹۸۵، صص. ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۹) همچنین در مطالعه‌ای که بر روی یک جامعه آماری ۱۷۴۰ نفری متشکل از کارمندان و مدیران در مالزی انجام شد، مشخص شد که دینداری (نماز اول وقت، پرداخت منظم زکات، وفای به عهد، قرائت روزانه قرآن حتی در روزهای کاری پُر مشغولیت) بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت دارد. (عثمان-گانی^۳ و دیگران، ۲۰۱۳، ص. ۳۶۰) همچنین توماس^۴ با بررسی ۱۳۲ مدیر از ۱۵ سازمان مختلف نشان داد که سازمان‌هایی که دستورالعمل‌های اخلاقی مکتوب بیشتری داشته و سطح دینداری در مدیران آن‌ها بالاتر است، عملکرد سازمانی موفق‌تری داشته‌اند. (توماس، ۱۹۹۰، صص. ۵۸ و ۸۹)

-
1. McCarty
 2. Woodrum
 3. Osman-Gani
 4. Thomas

۲-۳-۳. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق ایجاد سرمایه دینی

سرمایه دینی با دین تفاوت دارد؛ سرمایه دینی به اثرات اعتقادی و اعمال مذهبی اطلاق می‌گردد. در سال‌های اخیر سازه‌ای به نام سرمایه‌های دینی مفهوم‌سازی شده ولی از آن برای تبیین ارتباط بین دین و رشد اقتصادی به صورت گسترده‌ای استفاده نشده است. به عبارتی سرمایه دینی مفهوم نسبتاً جدیدی است که عمدتاً برای تعهد مذهبی، تغییرات سازمانی در سطح فرد و خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهمترین ویژگی سرمایه دینی افزایش تعهد مذهبی است که افراد را به اجتماعات دینی پیوند می‌دهد. (بارکر^۱، ۲۰۰۸، ص. ۲)

مفهوم سرمایه دینی برای اولین بار توسط استارک و فینک^۲ (۲۰۰۰، ص. ۱۲۰) به این صورت تعریف شد: سرمایه دینی متشکل از دو بُعد است: ۱- میزان آشنایی و دانش فرد از یک فرهنگ دینی خاص. ۲- میزان تعلق و وابستگی فرد به آن فرهنگ دینی. با بررسی سایر تعاریف سرمایه دینی مشخص می‌شود که نقطه اشتراک همه آن‌ها و مهمترین کارکرد سرمایه دینی چیزی نیست جز هویت‌بخشی دینی به افراد از طریق ایجاد احساس تعلق، وابستگی و تعهد به جامعه دینی، به وسیله مشارکت در انجمن‌های دینی که موجب هم‌افزایی سرمایه دینی در سطح فردی و اجتماعی می‌شود که البته هر دو سطح از هویت دینی (شخصی و جمعی) متضمن میزانی از دینداری است. (یزدانی‌فرد، ۱۳۹۹، ص. ۳۸)

در واقع دین به عنوان یک سرمایه معنوی از طریق ایجاد شبکه‌های دینی در جامعه، نقش تاثیرگذاری را در توسعه اقتصادی ایفاء می‌کند. توماس آکوئیناس در آثارش^۳ ایده‌هایی را مرتبط با دین و توسعه اقتصادی مطرح کرده است. برخی بر این باورند که اصطلاحاتی چون «خیر مشترک جهانی» و «جامعه مدنی جهانی» که توسط او مطرح شد، از مهمترین عوامل کاهش فقر، جهانی‌سازی و توسعه انسانی در دنیای امروز است. ارتباط دین و توسعه اقتصادی در اثر معروف جوزف شومپیتر^۴، تاریخ تحلیل اقتصادی (۱۹۵۴) نیز به چشم می‌خورد. او معتقد بود مفهوم برزخ یک انگیزاننده دینی ضروری برای توسعه سرمایه‌داری در قرون وسطی بوده است. (ایر، ۲۰۰۷، صص. ۱، ۴، ۵)

1. Barker

2. Stark & Finke

3. Aquinas's Summa Theologica (1265-72)

4. Joseph Schumpeter

یکی از دلایل عمده که سرمایه دینی می‌تواند بر رشد اقتصادی جوامع اثرگذار باشد، کاهش نااطمینانی از رفتارهای پیش‌بینی نشده افراد دینی است که سبب می‌شود به آینده با اعتماد بیشتری نگریست و ریسک تصمیم‌گیری را پایین آورد. همچنین سرمایه مذهبی می‌تواند بر بسیاری از شاخص‌های سلامت اثرگذار باشد. (یکی از توصیه‌های مستقیم اسلام دوری از شرب خمر و دخانیات و الکل است) (مهرگان و دلیری، ۱۳۸۹) علاوه بر این سرمایه دینی سبب ایجاد بسیاری از زیرساخت‌های اجتماعی، پیشرفت و توسعه بسیاری از نهادهای اجتماعی و زمینه‌ساز توسعه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی یک جامعه می‌شود. (عزتی و عاقلی، ۱۳۸۷) به طور کلی سرمایه دینی با کاهش هزینه‌های مبادله و نظارت، بهبود سلامت در جامعه و اثرگذاری بر دیگر سرمایه‌های جامعه سبب رشد اقتصادی یک جامعه می‌شود. (غفاری فرد و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۳۷۰)

۲-۳-۴. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق بهبود سرمایه انسانی

تعاریف بسیاری برای مفهوم سرمایه انسانی بیان شده است از جمله لیو و ونگ (۲۰۱۲) سرمایه انسانی را به قابلیت کارکنان در فکر کردن، خلق کردن و شبکه‌سازی و نیز تجارب، مهارت‌ها، انگیزه و تعهد اطلاق می‌کنند. از این نظر، سرمایه انسانی درون افراد قرار دارد. هادسون نیز سرمایه انسانی را به عنوان ترکیبی از وراثت ژنتیکی، تحصیلات، تجربه و نگرش به زندگی و کسب و کار تعریف می‌کند و نورما سرمایه انسانی را تحت عنوان دانش فردی، مهارت‌ها و توانایی‌ها و تجارب موجود در افراد جهت ایجاد ارزش و حل مسائل کسب و کار تعریف کرده است. اکثر نظریه‌پردازان سرمایه انسانی را در سطح فردی در نظر گرفته و آنچه را که در بافت سازمان موجود است در نظر نگرفته‌اند. در مجموع می‌توان به کلیه عناصر و خصوصیات منابع انسانی شامل دانش و تخصص، نگرش، استعدادها، شایستگی‌ها، تجربیات و مهارت‌ها، خلاقیت و دانش ضمنی افراد، سرمایه انسانی گفت. (مجیدی، ۱۳۹۷، ص. ۵۲)

رشد و توسعه در نگاه دینی، از درون افراد سرچشمه می‌گیرد. از این رو، ادیان تلاش می‌کنند با ارتقای درونی و تعالی فرد، او را به مولدی تبدیل کند که هدفش، نه تنها رشد خود یا جامعه‌اش باشد؛ بلکه به رشد جامعه انسانی و توسعه جهانی با توجه به ملاک‌های

عقلی و اخلاقی بپردازد. (قنبری نیک، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۷) گروهی از پژوهشگران (مانند ماکس وبر، هانتینگتون^۱، ۲۰۱۱، و لاندز، ۲۰۰۴) ادعا دارند که دین از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی افزایش عملکرد اقتصادی است و تاثیر آن بر عملکرد اقتصادی از طریق باورها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی همچون صداقت، ذخیره ثروت و سرمایه‌گذاری آن (مقتصد بودن)، نگرش قدسی به کار، سخت‌کوشی و ... که از مؤلفه‌های سرمایه انسانی هستند، می‌باشد. (بدناریک و فیلیپوا^۲، ۲۰۰۹، ص. ۳)

دین به طرق مختلفی از طریق سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد. به‌عنوان نمونه فعالیت‌های دینی والدین بر شکل‌گیری سرمایه‌های انسانی در کودکان آن‌ها تاثیر مثبت دارد. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد دین بر دستاوردهای آموزشی کودکان نیز تاثیر مثبتی دارد. بسیاری از ادیان بر ویژگی‌هایی چون سخت‌کوشی، صداقت، جدیت و مسئولیت‌پذیری تاکید ویژه‌ای دارند. این ویژگی‌ها بر مهارت‌های شناختی و غیرشناختی کودکان تاثیر مثبت دارند. (استرادا^۳ و دیگران، ۲۰۱۹، ص. ۴) بکر و لاجر^۴ (۲۰۰۹) نیز تاثیر دین بر رشد اقتصادی را از طریق تاکید دین بر آموزش و در نتیجه تقویت سرمایه‌های انسانی می‌دانند. در مجموع نیروی انسانی موجود در جامعه دینی، به سبب اعتقاد به مبدا و معاد و تربیت توحیدی، خداوند را ناظر بر رفتارهای خود می‌داند و از این‌رو امانت‌دار، مسئولیت‌پذیر و با وجدان کاری بالا است و درنهایت از بهره‌وری بالاتری برخوردار است که همگی از معیارها و مؤلفه‌های سرمایه انسانی به شمار می‌آیند. (رجائی و هاشمی، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۳)

۲-۳-۵. تاثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق تقویت اخلاق

آدام اسمیت در اثر معروفش تحقیقی در باب ماهیت و علت ثروت ملل^۵، یکی از مهمترین کارکردهای اقتصادی باورهای دینی را فراهم نمودن پایه‌های اخلاقی برای جامعه مدنی می‌داند: صداقت، نیک‌خواهی، پرهیز از خشونت و ... (مونتگمری^۶، ۲۰۱۵، ص. ۳۰) بر

-
1. Huntington
 2. Bednarik & Filipova
 3. Estrada
 4. Becker & Ludger
 5. An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations
 6. Montgomerie

مبنای تئوری مزیت منابع، فوس^۱ (۲۰۱۲، ص. ۸) اخلاق را منبعی برای افزایش رفتارهای سازنده اجتماعی و کاهش ناسازگاری‌های غیرسازنده در مبادلات دانسته و در نتیجه بر افزایش رشد اقتصادی موثر می‌داند.

مهم‌ترین توصیه اخلاقی را می‌توان در نظر گرفتن خدا در تمامی امور دانست که حداقل نتیجه آن می‌تواند انضباط کاری (سازمان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و اجتناب از بی‌نظمی در کار)، مسئولیت‌پذیری، رعایت انصاف و عدالت، تعهد و ... باشد که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در مسیر رشد اقتصادی به حساب می‌آیند. (پاینده و عین‌علی، ۱۴۰۰) آموزه‌های دینی گرچه ممکن است به صورت فردی در تحقق هدف کلان بهره‌برداری از منابع کمک نکنند، اما با سوق دادن جامعه به سمت این ارزش‌ها، نقش بسیار مؤثری در کارآمد بودن مدل‌های رشد اقتصادی خواهند داشت. (آقاجانی و خیری‌دوست، ۱۳۹۴، صص. ۱۳۵-۱۳۶) این مهم به این دلیل است که رفتار انسان‌ها از ارزش‌ها، باورها و اعتقاداتشان نشأت می‌گیرد و این باورها و اعتقادات هستند که به اثرگذاری تمامی نهادهای تولید جهت می‌دهند (مهرگان و دلیری، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰).

به لحاظ تجربی نیز مطالعات بسیاری این مهم را تأیید می‌کند. بالان و استفان^۲ (۲۰۱۱، ص. ۳۴) داده‌های ۷۴ کشور را تحلیل کرده و نشان می‌دهند ترکیب اخلاق- سرمایه انسانی با عملکرد بالای اقتصادی در ارتباط است. به عبارت دیگر، وجود سازمان‌های توانمندی که تولید محصولات مناسب برای جامعه (اخلاق) را فدای سودآوری نمی‌کنند، موجبات عملکرد بالای اقتصادی (افزایش تولید ناخالص ملی) را فراهم می‌آورند. کیم و بریجش^۳ (۲۰۱۸، ص. ۱۲) نیز نشان دادند یک ارتباط علی بین رفتارهای اخلاقی و عملکرد اقتصادی وجود دارد، اما عکس آن صادق نیست، یعنی عملکرد بالای اقتصادی اثر علی بر رفتارهای اخلاقی ندارد.

۳. روش تحقیق

فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، یکی از معروف‌ترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری برای

1. Foss

2. Balan & Stephen

3. Kim & Brijesh

چندین شاخص است که در حوزه‌های متنوعی بکار رفته و نتایج قابل قبولی به دنبال داشته است. این روش، مسائل پیچیده را براساس آثار متقابل آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و آن‌ها را به شکلی ساده تبدیل نموده و سپس به حل آن‌ها می‌پردازد. بدین صورت که با توجه به شاخص‌هایی که تصمیم‌گیرنده تعیین می‌کند، (شاخص می‌تواند کمی باشد یا کیفی) این روش به منظور تصمیم‌گیری و انتخاب یکی از گزینه‌های تصمیم بکار می‌رود. در تحلیل مسائل AHP تاکید بر کسب نظرات خبرگان است. (آذر، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۵) در واقع این روش زمانی مفید است که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه و شاخص تصمیم‌گیری روبرو باشد. مهم‌ترین قابلیت روش تحلیل سلسله‌مراتبی در توانایی تبدیل ساختار سلسله‌مراتبی یک مسئله پیچیده چند شاخصه به ساختار بسط داده شده، برای درک بهتر تصمیم‌گیرنده از مساله تصمیم‌گیری است. اساس این روش بر مقایسات زوجی نهفته است. (دلبری و داودی، ۱۳۹۱)

اما به کارگیری این روش مستلزم چهار گام عمده است که در ادامه به صورت مختصر اشاره می‌شود. (آذر، ۱۳۷۹) گام نخست مدل سازی است که طی آن، ارتباط عناصر تصمیم که شامل شاخص‌های تصمیم‌گیری و گزینه‌های تصمیم است، به صورت سلسله‌مراتبی مشخص می‌شود. در گام دوم عناصر هر سطح نسبت به سایر عناصر مربوط خود در سطح بالاتر به صورت زوجی مقایسه شده و به نحوی ماتریس‌های مقایسه زوجی تشکیل می‌شود. تخصیص امتیازهای عددی مربوط به مقایسه زوجی اهمیت دو گزینه یا دو معیار براساس جدول ۱ صورت می‌گیرد. از این جدول به منظور تعیین اهمیت نسبی هر مؤلفه نسبت به سایر مؤلفه‌ها استفاده می‌شود.

جدول ۱. مقایسات زوجی براساس کمیت‌های ترجیحی توماس ال ساعتی

مقدار عددی	نوع ترجیح
۹	کاملاً مهم
۷	مهم‌تر
۵	مهم
۳	اندکی مهم
۱	اهمیت یکسان
۲، ۴، ۶ و ۸	ترجیحات بینابین

در این مرحله براساس هر شاخص بین گزینه‌های مختلف تصمیم، مقایسه صورت می‌پذیرد که نتیجه آن محاسبه وزن نسبی بین عناصر است. این کار با مقایسه‌های دو به دو بین عناصر هر سطح (مقایسات زوجی) از طریق تخصیص اعدادی که اشاره شد صورت می‌گیرد. این ماتریس دارای دو ویژگی است: نخست اینکه قطر این ماتریس عدد ۱ است، به این معنا که نسبت ترجیح هر عامل در مقایسه با خودش برابر یک است و ویژگی دوم اینکه ترجیح عوامل نسبت به یکدیگر خاصیت معکوس پذیری دارد.

در گام سوم براساس یک فرایند سلسله‌مراتبی، وزن و اهمیت عناصر تصمیم برای هر گزینه، از مجموع حاصل ضرب هر معیار در امتیاز گزینه مورد نظر به دست می‌آید. در این مرحله، وزن هر یک از عناصر تصمیم معطوف به اطلاعات ماتریس‌های مقایسه‌های دو به دو تعیین می‌شود. در گام چهارم نیز با ادغام وزن‌های نسبی، گزینه‌های تصمیم رتبه‌بندی و گزینه برتر تعیین می‌گردد. وزن نهایی هر گزینه از مجموع حاصلضرب وزن هر شاخص در وزن گزینه مربوط از آن شاخص به دست می‌آید.

۴. رتبه‌بندی عوامل دینی مؤثر بر رشد اقتصادی

همان‌طور که گفته شد، بسیاری از مطالعات نظری و تجربی، موید تأثیر دین بر رشد اقتصادی هستند. در این پژوهش با تحلیل مضامین پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دین و عملکرد اقتصادی، نشان داده شد که دین به عنوان یک پدیده چند بُعدی، از طریق متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، عملکرد شغلی، سرمایه دینی، سرمایه انسانی و اخلاق بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. طبق بررسی‌های محققان با استفاده از منابع و تحقیقات اسلامی، معیار و شاخص‌هایی برای عوامل فوق شناسایی گردیده که در ادامه ذکر شده است. در رابطه با چگونگی انتخاب مؤلفه‌ها باید به این نکته اشاره نمود که مولفین پس از بررسی تمامی مطالعات موجود در رابطه با عوامل اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی، ضمن تبیین و تحلیل محتوای مطالب و مضامین آن‌ها، به دسته‌بندی و تنظیم آن‌ها ذیل عناوین مذکور اقدام نموده‌اند. در واقع استخراج مؤلفه‌های دینی مؤثر بر رشد اقتصادی ماحصل مطالعات اسنادی و تحلیل مضمون و محتوای آن‌ها و درنهایت دسته‌بندی آن‌ها ذیل عنوان واحد بوده است.

در رابطه با جمع‌آوری نظرات نخبگان در مورد اهمیت هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌های

ذیل هر یک از این عناوین نیز باید اشاره نمود که در این مسیر پرسشنامه‌ای تنظیم گردید تا تنی چند از کارشناسان حوزه اقتصاد اسلامی و همچنین برخی طلاب سطوح عالی که مطالعات مرتبط در زمینه اقتصادی داشتند، آن را تکمیل کنند. این پرسشنامه شامل مقایسه زوجی بین ۵ عامل اصلی و نیز جداولی برای مقایسه زوجی مؤلفه‌های هر عامل نسبت به یکدیگر تنظیم گردید. در مرحله بعد پرسشنامه برای حدود ۵۰ نفر از کارشناسان و استادان حوزه اقتصاد اسلامی ارسال گردید که درنهایت ۳۰ پرسشنامه عودت داده شد. مطابق با آنچه که در بخش روش تحقیق بیان گردید، ساختار ذیل درواقع ماحصل اجرای گام اول در روش AHP محسوب می‌شود.

■ **مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی:**

- (۱) تعاون و همکاری
- (۲) ایثار و خیرخواهی (نوعدوستی)
- (۳) اعتماد
- (۴) وفای به عهد
- (۵) تکافل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری

■ **مؤلفه‌های عملکرد شغلی:**

- (۱) وجدان کاری و تعهد
- (۲) اهمیت و جایگاه کار و فعالیت اقتصادی (تقدس کار)
- (۳) روحیه کارآفرینی و سخت‌کوشی
- (۴) ارتقای آموزش و مهارت
- (۵) التزام به قوانین و مقررات

■ **مؤلفه‌های سرمایه دینی:**

- (۱) آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی
- (۲) تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی
- (۳) مشارکت در فعالیت‌های دینی و انجام مناسک فردی و اجتماعی
- (۴) رعایت هنجارهای دینی و حدود شرعی
- (۵) تولید، عرضه و مصرف کالاهای دینی

▪ مؤلفه‌های سرمایه انسانی:

- (۱) علم و معرفت (تحصیلات، مطالعه، اطلاعات دینی و...)
- (۲) تأمین معاش (حد کفاف، تکافل اجتماعی و...)
- (۳) بهداشت و سلامت جسم و آرامش روح و روان
- (۴) توانایی و مهارت‌های رفتاری (همکاری، امانتداری و...)
- (۵) توانایی و مهارت‌های ارتباطی (وفای به عهد، گفتار مؤثر و...)

▪ مؤلفه‌های اخلاق:

- (۱) اتکای نهادها بر اصول اخلاقی
- (۲) ابتنای روابط و رفتارها بر اخلاق
- (۳) اتکای قوانین بر اخلاق
- (۴) رعایت اصول و فضایل اخلاقی

در ادامه برای رتبه‌بندی عوامل دینی مؤثر بر رشد اقتصادی و اولویت‌گذاری در تحقق آن‌ها از دیدگاه اسلام، معیارهای یاد شده و زیرمعیارهای آن‌ها طی فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) اهمیت‌سنجی گردید. بدین صورت که مطابق با گام دوم آن، عوامل و متغیرهای دینی مؤثر در رشد اقتصادی به صورت دو به دو توسط نخبگان مقایسه و اهمیت‌سنجی گردید و ایشان در پرسشنامه براساس اعداد جدول ۱ به هریک از عوامل و شاخص‌ها وزن دادند. نمونه‌ای از ماتریس مقایسه زوجی که توسط یکی از نخبگان تکمیل شده است را می‌توان در جدول ۲ مشاهده نمود.

جدول ۲. نمونه ماتریس زوجی طراحی و تکمیل شده

سرمایه اجتماعی	عملکرد شغلی	سرمایه دینی	سرمایه انسانی	اخلاق
سرمایه اجتماعی	۱	$\frac{۱}{۴}$	۶	۱
عملکرد شغلی		$\frac{۱}{۳}$	۵	$\frac{۱}{۳}$
سرمایه دینی		۱	۶	۹
سرمایه انسانی			۱	$\frac{۱}{۵}$
اخلاق				۱

سپس براساس پرسشنامه‌های تکمیل شده، وزن نسبی متغیرهای تأثیرگذار در رشد اقتصادی رتبه‌بندی و اولویت‌گذاری گردید. براین اساس وزن عامل‌های پنجگانه مؤثر بر رشد اقتصاد مطابق جدول ۳ محاسبه گردید که طبق آن عامل‌های سرمایه دینی و اخلاق، بیشترین وزن و عامل‌های عملکرد شغلی و سرمایه انسانی کمترین وزن را دارند.

جدول ۳. وزن نسبی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی

رتبه هر عامل	وزن نسبی عوامل	عوامل
۳	۰/۲۰۲	سرمایه اجتماعی
۴	۰/۱۷۴	عملکرد شغلی
۱	۰/۳۰۴	سرمایه دینی
۵	۰/۱۱۴	سرمایه انسانی
۲	۰/۲۰۶	اخلاق

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۰۳۳: نرخ ناسازگاری)

در جدول‌های ۴ تا ۸ نیز وزن‌های به دست آمده برای مؤلفه‌ها با توجه به پاسخ‌های خبرگان در زیرگروه‌های ۵گانه ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، نرخ ناسازگاری همه جداول به دست آمده کمتر از ۰/۱ می‌باشد که بیانگر اعتبار نظرسنجی‌ها است.

جدول ۴. وزن نسبی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

رتبه هر عامل	وزن نسبی عوامل	عوامل
۲	۰/۱۹۴	تعاون و همکاری
۴	۰/۱۶۴	ایثار و خیرخواهی
۳	۰/۱۸۳	اعتماد
۱	۰/۳۱۲	وفای به عهد
۵	۰/۱۴۵	تکافل اجتماعی و ...

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۰۵۲: نرخ ناسازگاری)

جدول ۵. وزن نسبی مؤلفه‌های عملکرد شغلی

عوامل	وزن نسبی عوامل	رتبه هر عامل
وجدان کاری و تعهد	۰/۳۵۱	۱
اهمیت و جایگاه کار	۰/۱۶۳	۴
روحیه کارآفرینی و سخت کوشی	۰/۱۷۰	۳
ارتقای آموزش و مهارت	۰/۱۳۲	۵
التزام به قوانین و مقررات	۰/۱۸۲	۲

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱) ≤ ۰/۰۰۷: نرخ ناسازگاری)

جدول ۶. وزن نسبی مؤلفه‌های سرمایه دینی

عوامل	وزن نسبی عوامل	رتبه هر عامل
آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی	۰/۲۲۲	۲
تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی	۰/۲۱۶	۳
مشارکت در فعالیت‌های دینی	۰/۱۵۷	۴
رعایت هنجارهای دینی و حدود	۰/۲۸۴	۱
تولید و مصرف کالاهای دینی	۰/۱۱۹	۵

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱) ≤ ۰/۰۰۷: نرخ ناسازگاری)

جدول ۷. وزن نسبی مؤلفه‌های سرمایه انسانی

عوامل	وزن نسبی عوامل	رتبه هر عامل
علم و معرفت	۰/۲۶۷	۱
تامین معاش	۰/۲۵۲	۲
بهداشت و سلامت جسم و روان	۰/۲۰۲	۳
توانایی و مهارت‌های رفتاری	۰/۱۵۸	۴
توانایی و مهارت‌های ارتباطی	۰/۱۱۸	۵

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱) ≤ ۰/۰۰۱: نرخ ناسازگاری)

جدول ۸. وزن نسبی مؤلفه‌های اخلاق

عوامل	وزن نسبی عوامل	رتبه هر عامل
اتکای نهادها بر اصول اخلاقی	۰/۳۱۲	۱
ابتنای روابط و رفتارها بر اخلاق	۰/۲۴۴	۲
اتکای قوانین بر اخلاق	۰/۲۰۹	۴
رعایت اصول و فضایل اخلاقی	۰/۲۳۳	۳

منبع: یافته‌های تحقیق

(۰/۱ ≤ ۰/۲۲: نرخ ناسازگاری)

جداول فوق در واقع بیانگر وزن هر یک از مؤلفه‌ها براساس قضاوت نخبگان است که متوسط وزن هر شاخص را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه اینکه با توجه به تعدد پژوهشگران، از میانگین هندسی نظرات آن‌ها برای محاسبه وزن‌های نسبی استفاده شده است.

درنهایت نیز مطابق گام چهارم، وزن نهایی هر یک از مؤلفه‌ها، محاسبه شده و بر این اساس، رتبه‌بندی نهایی مؤلفه‌های ۲۴ گانه مؤثر بر رشد اقتصادی در جدول ۹ ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، بیشترین اهمیت در بین مؤلفه‌ها به رعایت هنجارهای دینی، آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی، تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی، اتکای نهادها بر اصول اخلاقی و وفای به عهد مربوط است. همچنین مؤلفه‌های توانایی و مهارت‌های ارتباطی و رفتاری، بهداشت و سلامت جسم و روان، ارتقای آموزش و مهارت و تأمین معاش در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، اهمیت کمتری دارند.

جدول ۹. اوزان نهایی ۲۴ شاخص مؤثر بر رشد اقتصادی در آموزه‌های اسلامی

عوامل	وزن عامل	مؤلفه‌ها	وزن مؤلفه‌ها در زیرگروه	وزن نهایی	رتبه
سرمایه اجتماعی	۰/۲۰۲	تعاون و همکاری	۰/۱۹۴	۰/۰۳۹	۱۱
		ایثار و خیرخواهی	۰/۱۶۴	۰/۰۳۳	۱۴
		اعتماد	۰/۱۸۴	۰/۰۳۷	۱۲
		وفای به عهد	۰/۳۱۲	۰/۰۶۳	۵
		تکافل اجتماعی و ...	۰/۱۴۶	۰/۰۲۹	۱۸

عوامل	وزن عامل	مؤلفه‌ها	وزن مؤلفه‌ها در زیرگروه	وزن نهایی	رتبه
عملکرد شغلی	۰/۱۷۴	وجدان کاری و تعهد	۰/۳۵۲	۰.۰۶۱	۶
		اهمیت و جایگاه کار	۰/۱۶۴	۰.۰۲۹	۱۹
		روحیه کارآفرینی و سخت‌کوشی	۰/۱۷۰	۰.۰۳	۱۶
		ارتقای آموزش و مهارت	۰/۱۳۲	۰.۰۲۳	۲۱
		التزام به قوانین و مقررات	۰/۱۸۲	۰.۰۳۲	۱۵
سرمایه دینی	۰/۳۰۴	آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی	۰/۲۲۳	۰.۰۶۸	۲
		تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی	۰/۲۱۶	۰.۰۶۶	۳
		مشارکت در فعالیتهای دینی	۰/۱۵۷	۰.۰۴۸	۸
		رعایت هنجارهای دینی	۰/۲۸۴	۰.۰۸۶	۱
		تولید و مصرف کالاهای دینی	۰/۱۱۹	۰.۰۳۶	۱۳
سرمایه انسانی	۰/۱۱۴	علم و معرفت	۰/۲۶۷	۰.۰۳	۱۷
		تامین معاش	۰/۲۵۲	۰.۰۲۹	۲۰
		بهداشت و سلامت جسم و روان	۰/۲۰۲	۰.۰۲۳	۲۲
		توانایی و مهارت‌های رفتاری	۰/۱۵۹	۰.۰۱۸	۲۳
		توانایی و مهارت‌های ارتباطی	۰/۱۱۸	۰.۰۱۴	۲۴
اخلاق	۰/۲۰۶	اتکای نهادها بر اصول اخلاقی	۰/۳۱۲	۰.۰۶۴	۴
		ابتنای روابط و رفتارها بر اخلاق	۰/۲۴۴	۰.۰۵	۷
		اتکای قوانین بر اخلاق	۰/۲۰۹	۰.۰۴۳	۱۰
		رعایت اصول و فضایل اخلاقی	۰/۲۳۴	۰.۰۴۸	۹

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی گسترده مبانی نظری موجود در زمینه تأثیرگذاری دین بر رشد اقتصادی و همچنین بررسی تجربی برخی کشورها، راه‌ها و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی تبیین گردید. مهم‌ترین این مسیرها و مؤلفه‌های اصلی هر یک از آنها را می‌توان در نمودار ۱ مشاهده نمود.



نمودار ۱. عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذاری دین بر رشد اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

در وهله بعد اهمیت هر یک عوامل و مسیرهای اصلی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی و هر یک از مؤلفه‌های آنان با استفاده از نظرات خبرگان با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی مشخص گردید. براین اساس در میان عوامل و مسیرهای اصلی، سرمایه دینی با وزن نسبی ۰/۳۰۴ بیشترین اهمیت را دارا است که با توجه به موضوع اصلی پژوهش یعنی تأثیر دین بر رشد اقتصادی، قابل پذیرش می‌باشد. در رتبه بعدی عوامل اخلاقی با وزن نسبی ۰/۲۰۶ و سرمایه اجتماعی با وزن نسبی ۰/۲۰۲ قرار دارند. درنهایت نیز طبق نظر نخبگان عملکرد عملکرد شغلی با وزن نسبی ۰/۱۷۴ و سرمایه انسانی با وزن نسبی ۰/۱۱۴ کمترین اهمیت بر رشد اقتصادی را دارند. در تحلیل وزن‌های نسبی به دست آمده می‌توان گفت که با توجه به اینکه

پژوهش حاضر به دنبال رتبه‌بندی مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی بوده است، طبیعی است که سرمایه دینی در این رابطه دارای بیشترین اهمیت باشد و رتبه نخست را طبق نظر نخبگان کسب نماید. همانگونه که اشاره شد سرمایه دینی عبارت است از اثرات اعتقادی و اعمال مذهبی که دارای دو بعد اصلی آشنایی و تعلق فرد به فرهنگ دینی است. در واقع هر چه که در جامعه‌ای نسبت به آشنایی عموم مردم با فرهنگ دینی اهتمام بیشتری وجود داشته باشد به‌نحوی که در ثمره آن، مردم تعلق بیشتری به هنجارها و ارزش‌های دینی داشته باشند، انتظار می‌رود که تأثیر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی بیشتر باشد. در وهله دوم عوامل اخلاقی قرار دارند که باز از میان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی اهمیت بیشتری دارد چرا که آموزه‌های اخلاقی از مهم‌ترین مسائلی هستند که در هر دینی مورد اشاره و تأکید قرار می‌گیرند و با توجه به تأثیراتی که بر بینش و رفتار افراد می‌گذارند، می‌توانند بیشترین همسویی و هماهنگی را در مسیر رشد اقتصادی ایجاد نمایند. به‌عنوان نمونه توصیه به مسئولیت‌پذیری، تعهد، انصاف، انضباط کاری و ... از جمله ابتدایی‌ترین آموزه‌های اخلاقی هستند که توجه به آن‌ها، تأثیرات شگرفی بر نهاده‌های تولید از جمله نیروی انسانی خواهد گذاشت و مسیر رشد اقتصادی را هموارتر خواهد نمود. سرمایه اجتماعی با وزن نسبی نزدیک به آموزه‌های اخلاقی در رتبه سوم قرار گرفته است. همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، سرمایه اجتماعی از آنجا که بر کنش‌ها و واکنش‌های جمعی مردم در همه امور از جمله امور اقتصادی حاکم است، می‌تواند سهم بسیاری در رشد اقتصادی داشته باشد. درواقع استفاده از سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای از جمله مهم‌ترین ظرفیت‌هایی است که از طرقی مانند کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، بهبود کارایی و ... رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد. شاید علت تأثیرگذاری بیشتر این سه عامل نسبت به دو عامل دیگر یعنی عملکرد شغلی و سرمایه انسانی این باشد که سه مؤلفه نخست شمولیت بیشتری دارند بدین معنا که سه عامل نخست می‌توانند بر اقسام مختلف نهاده‌های تولید مؤثر باشند ولی دو عامل عملکرد شغلی و سرمایه انسانی تنها به بعد سرمایه انسانی توجه دارند.

در مرحله آخر نیز وزن نهایی هر یک از مؤلفه‌های عوامل پنجگانه محاسبه گردید. بدین صورت که وزن نسبی هر یک از مؤلفه‌ها در وزن نسبی عامل اصلی آن ضرب گردید. براین اساس مطابق با نظر نخبگان، رعایت هنجارهای دینی و حدود شرعی (با

وزن نسبی (۰/۰۸۶) دارای بیشترین اهمیت تشخیص داده شد. مؤلفه‌های آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی (۰/۰۶۸) و همچنین تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی (۰/۰۶۶) نیز در مرتبه‌های بعدی قرار گرفتند. همانگونه که مشاهده می‌شود هر سه این مؤلفه‌ها، از جمله مؤلفه‌های سرمایه دینی هستند که با توجه به ضریب بالای سرمایه دینی در بین ۵ عامل موجود، انتظار چنین مسئله‌ای می‌رفت. اما در تحلیل این مؤلفه‌ها باید گفت که مؤلفه نخست یعنی رعایت هنجارهای دینی اذعان به این مسئله دارد که تنها آشنایی و تعلق به سرمایه دینی کفایت نمی‌کند؛ بلکه این رعایت هنجارها است که می‌تواند ثمره سرمایه دینی را در مسیر رشد اقتصادی محقق سازد. مؤلفه‌های رتبه دوم و سوم نیز همان دو عنصر اصلی سرمایه دینی هستند که در تعریف سرمایه دینی بدان اشاره شد. در واقع با وجود این دو مؤلفه، سرمایه دینی شکل می‌گیرد از این‌رو این دو مؤلفه بیشترین تأثیر را در بین ۲۴ مؤلفه موجود به دست آورده‌اند. در انتهای طیف نیز مؤلفه‌های مربوط به سرمایه انسانی یعنی بهداشت و سلامت جسم و آرامش روح و روان (۰/۰۲۳)، توانایی و مهارت‌های رفتاری (۰/۰۱۸) و توانایی و مهارت‌های ارتباطی (۰/۰۱۴) دارای کمترین اهمیت شناخته شدند که علت اصلی آن، همان پایین بودن وزن نسبی مربوط به عامل سرمایه انسانی است که پیشتر بدان اشاره گردید.

کتابنامه

- آذر، عادل (۱۳۷۹). تحلیل پوششی داده‌ها و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، مطالعه تطبیقی. مطالعات مدیریت، ۷ (۲۸)، ۱۲۹-۱۴۶.
- آقاجانی، معصومه و خیری‌دوست، و معصومه (۱۳۹۴). توسعه پایدار در کنار عدالت و اخلاق در اقتصاد اسلامی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳ (۱۰)، ۱۱۱-۱۴۶.
- پاینده نجف‌آبادی، ابراهیم و عین‌علی، دنیا (۱۴۰۰). تأثیر اخلاق کسب‌وکار در توسعه پایدار کسب‌وکار. دومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی پایداری کسب‌وکار. اهواز: دانشگاه شهیدچمران.
- پورفرج، علیرضا، گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی و انصاری سامانی، حبیب (۱۳۹۴). دینداری و رفتار اقتصادی؛ روش‌شناسی اقتصاد آزمایشگاهی برای مطالعه انسان

- اقتصادی اسلام. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۷ (۱۴)، ۳۳-۶۸.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم (غلامعلی فرجادی، مترجم). تهران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ هشتم.
- دلبری، سیدعلی و داودی، سیدعلیرضا (۱۳۹۱). کاربرد تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی. تحقیق در عملیات و کاربردهای آن، ۹ (۳۳)، ۵۷-۷۹.
- رجائی رامشه، سیدمحمدکاظم و هاشمی، سیدمحمدتقی (۱۴۰۰). نحوه اثرگذاری معنویت بر رشد و پیشرفت اقتصادی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۲ (۲۴)، ۱۷۵-۱۹۲.
- عسکری، محمدمهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۰). دین و اقتصاد. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- عسگری، حشمت‌اله و ابراهیمی، سیداحمد (۱۳۹۹). واکاوی اقتصاد رفتاری در آیات قرآن. اقتصاد اسلامی، ۲۰ (۸۰)، ۲۵-۵۰.
- عسگری، محمدمهدی و توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۶). تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی. جستارهای اقتصادی، ۴ (۸)، ۱۰۱-۱۲۱.
- غفاری‌فرد، محمد؛ فلاح، جان‌محمد و خاشعی، محمدیوسف (۱۴۰۰). اثر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی استان‌های مختلف ایران. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۹ (۳۴)، ۲۶۳-۲۸۳.
- قنبری‌نیک، سیف‌اله (۱۳۸۸). رابطه دین و توسعه با تاکید بر آموزه‌های دینی. فرهنگ پژوهش، ۲ (۵)، ۱۳۷-۱۵۸.
- کوزنتس، سیمون (۱۳۷۲). رشد نوین اقتصادی (مرتضی قره‌باغیان، مترجم)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- مرادی حقیقی، فائزه (۱۳۹۴). کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۸ (۳۱)، ۶۹-۹۶.
- نظرپور، محمدنقی و منتظری‌مقدم، مصطفی (۱۳۸۷). فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۷ (۳۱)، ۳۷-۶۸.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۸). تربیت اخلاقی و رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام. معرفت

اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۲۱)، ۱۸۵-۲۰۱.

یزدانی فرد، فاطمه (۱۳۹۹). تاثیر سرمایه دینی بر توسعه اقتصادی با تاکید بر آموزه‌های اخلاقی دین اسلام. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، دانشکده مدیریت و اقتصاد.
 یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶). نظام اقتصاد علوی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ اول.

- Aghajani, M. and Khairidoost, M. (2014), Sustainable development along with justice and ethics in Islamic economy, *Islamic Economics and Banking*, 3 (10), 111-146 (In Persian).
- Aguilera, J. C., (2016), Department of Economics, Social capital and Economic growth, Master's Thesis, LUND UNIVERSITY.
- Asgari, H. and Ebrahimi, S. A. (2019), Analysis of Behavioral Economics in the Qur'anic Verses, *Islamic Economy*, 20 (80), 25-50 (In Persian).
- Asgari, M. M. and Tohidinia, A. (1386), Effect of social capital on economic growth and development, *Economic Surveys*, 4 (8) (In Persian).
- Ashraf, Q. & Galor, O. (2011), Cultural Diversity, Geographical Isolation, and the Origin of the Wealth of Nations, NBER Working Papers 17640, National Bureau of Economic Research, Inc.
- Askari, M. M. and Derakhshan, M. (2019), *Religion and Economy*. Tehran: Imam Sadegh University (In Persian).
- Azar, A. (1379), Data overlay analysis and hierarchical analysis process, a comparative study, *Management Studies*, 7 (28), 129-146 (In Persian).
- Balan, D. & Stephen K. (2011), *The Correlation between Human Capital and Morality and its Effect on Economic Performance: Theory and Evidence*, World Bank Policy Research Working Paper Series.
- Barker, M. (2008), The role of religious capital in relating religion and economic development, *Third Sector Review*, 14 (1). 1-8.
- Barro, R. & McCleary, R. (2003), Religion and Economic Growth, *American Sociological Review*, 68 (46), SourceRePEc, Rachel.
- Batjargal, B. (2003), Social Capital and Entrepreneurial Performance in Russia: A Longitudinal Study, *Acoustics, Speech, and Signal Processing Newsletter*, IEEE 24 (4), 535-556.
- Becker, S. & Ludger, W. (2009), Was Weber Wrong? A Human Capital Theory of Protestant Economic History, *Quarterly Journal of Economics*, 124.
- Bednarik, R. & Filipova, L. (2009), The role of religion and political regime for human capital and economic development, *MPRA Paper* 14556, University Library of Munich, Germany.
- Bernstein, E. M. & Putnam, F. W. (1986), Development, reliability, and validity of a dissociation scale, *The Journal of nervous and mental disease*, 174 (12), pp.727-735.

- Bosma, N.; Van Praag, M.; Thurik, R. & Wit, G. (2004), The Value of Human and Social Capital Investments for the Business Performance of Startups, *Small Business Economics*, 6 (23), 227-236.
- Delbari, S. A. & Davodi, S. A. (2019), Using the Hierarchy Analysis Process Technique in Ranking the Evaluation Indicators of Tourist Attractions, *Research in Operations and Its Applications*, 9 (33), 57-79 (In Persian).
- Dess, G. & Shaw, J. (2001), Voluntary turnover, social capital, and organizational performance, *The Academy of Management Review*, 26 (3), 446-457.
- Dinda, S. (2008), Social capital in the creation of human capital and economic growth: A productive consumption approach, *Journal of Socio-Economics*, 37 (5), 2020-2033
- Ebstein King, P. & Furrow, J. (2004), Religion as a Resource for Positive Youth Development: Religion, Social Capital, and Moral Outcomes, *Developmental Psychology*, 40 (5), 703-713.
- Estrada, C. A.; Lomboy, M. F.; Gregorio, E.; Amalia, E.; Leynes, C.; Quizon, R. & Kobayashi, J. (2019), Religious education can contribute to adolescent mental health in school settings, *Int J Ment Health Syst* 13 (28).
- Foss, N. (2012), *Linking Ethics and Economic Growth: a Comment on Hunt*, *Contemporary Economics*, ISSN 2084-0845, Vizja Press & IT, Warsaw, 6 (3), 4-9.
- Ghafariard, M.; Fallah, J. M. and Khashai, M. Y. (1400), Effect of religious capital on the economic growth of different provinces of Iran, *Islamic Economy and Banking*, 9 (34), 263-283 (In Persian).
- Guiso, L. & Sapienza, P. & Zingales, L. (2003), People's opium? Religion and economic attitudes, *Journal of Monetary Economics*, Elsevier, 50 (1), 225-282.
- Hadavi Nia, A. A. (2018), Ethical education and economic growth from the perspective of Islam, *Knowledge of Islamic Economics*, 11 (21), 185-201 (In Persian).
- Hall, J. A. (1986), *Powers and Liberties: The Causes and Consequences of the Rise of the West*, University of California Press, Berkeley, CA.
- Hansen, B. & Hansen, M. E. (2008), Religion, Social Capital, and Business Bankruptcy in the United States, 1921-1932, Working Papers 2008-15, American University, Department of Economics.
- Huntington, S.P. (2001), *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, Praha.
- Iyer, Sriya (2007), *religion and economic development*, In: *Economic Growth*, Palgrave Macmillan, University of Cambridge, pp.222-228.
- Kim, M., and Brijesh T. (2018), Relationship of Ethical Leadership, Corporate Social Responsibility and Organizational Performance, *Sustainability*, 10 (2).
- Kouvavas, O. (2013), Political Budget Cycles Revisited, the Case for Social

- Capital, MPRA Paper 57504, University Library of Munich, Germany, revised.
- Kuznets, S. (1372), *Modern Economic Growth*, Morteza Qarabaghian, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance (In Persian).
- Lal, D. (1998), *Unintended Consequences: The Impact of Factor Endowments, Culture and Politics on Long-Run Economic Performance*, The MIT Press, Cambridge, MA.
- Landes, D. S. (1998). *The Wealth and Poverty of Nations: Why Some Are So Rich and Some So Poor*, Norton & Co., New York, NY.
- Landes, D. S. (2006), Why Europe and the West? Why Not China?, *Journal of Economic Perspectives*, 20(2).
- Landes, D.S. (2004), *The Wealth and Poverty of Nations*. Prague: BB/art, ISBN 80-7341-291-8.
- McCleary, R., & Barro, R. (2006), Religion and Economy, *Journal of Economic Perspectives*, 20 (2), 49-72.
- Montgomerie, T. (2015), *Prosperity for All Restoring Faith in Capitalism Economics of Prosperity*, London: egatum Foundation.
- Moradi Haghighi, F. (2014), The social and cultural function of religion in the economic development of Malaysia, *Journal of International Relations*, 8 (31), 69-96 (In Persian).
- Motavasseli, M. (2012), *economic development*, Tehran: Samit, first edition (In Persian).
- Nazarpour, M. N. and Montazeri Moghadam, M. (2008), Culture that builds trust in religious thought and its role in economic development, *Islamic Economy*, 7 (31), 37-68 (In Persian).
- Noland, M. (2005), Religion and economic performance, *World Development*, 33 (8), 1215-1232.
- Omar, A.; Hussin, F.; Golam H., Asan A. (2014), The Trend Analysis of Islamization in Malaysia Using Islamization Index as Indicator, *Asian Economic and Financial Review* 4 (10), 1298-1313.
- Osman Gani, A.; Hashim, J. & Ismail, Y. (2013), Establishing linkages between religiosity and spirituality on employee performance, *Employee Relations*, 35 (4), 360-376.
- Payandeh Najafabadi, E. and Ain Ali, D. (1400), The impact of business ethics on sustainable business development, *the second national conference and the first international conference on business sustainability*. Ahvaz: Shahid Chamran University (In Persian).
- Poorfaraj, A., Gilak Hakimabadi, M. T. and Ansari Samani, H. (2014), Religiosity and Economic Behavior; Laboratory Economics Methodology for the Study of Islamic Economic Man, *Islamic Economic Studies*, 7 (14), 68-33 (In Persian).
- Pretty, J. (2003), social capital and collective management of resources, *science* 32: 1912-1914. 302 (5652).

- Putnam, R. (2002), *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, Oxford: Oxford University Press.
- Qanbari Nik, S. (2008), The relationship between religion and development with an emphasis on religious doctrines, *Research Culture*, 2 (5), 137-158 (In Persian).
- Rajaei Ramsheh, S. M. and Hashemi, S. M. (1400), How Spirituality Influences Economic Growth and Progress, *Marafet Islamic Economy*, 12 (24), 175-192 (In Persian).
- Samanta, S. (2013), Corruption, religion and economic performance in OPEC countries: an analysis, *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 19 (2).
- Schumpeter, J. (1954), *History of Economic Analysis*. London: Oxford University Press.
- Shimazu, A.; Schaufeli, W.; Kamiyama, K. & Kawakami, N. (2015), Workaholism vs. work engagement: the two different predictors of future well-being and performance, *International Journal of Behavioral Medicine*, 6 (22), 18-23.
- Smidt, C. (2003), *Religion as social capital: producing the common good*, Baylor University Press, Waco.
- Stark, R. & Finke, R. (2000), *Acts of Faith: Explaining the Human Side of Religion*, California: University of California Press.
- Thomas, C. C. (1990), *The Responsive Organisation: Re-engineering New Patterns of Work*, Policy Publications.
- Thompson, M. (2018), Social capital, innovation and economic growth, *Journal of Behavioral and Experimental Economics* (formerly The Journal of Socio-Economics), Elsevier, 19 (73), 46-52.
- Todaro, M. (1378), *Economic Development in the Third World*, translated by Gholamali Farjadi, Tehran: Higher Institute of Research in Planning and Development, 8th edition (In Persian).
- Weber, M. (1904). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*, trans. T. Parsons, London: Routledge, 1992.
- Woodrum, E. (1985), Religion and Economics Among Japanese Americans: A Weberian Study, *Social Forces* 64 (1), 191-204.
- Wuthnow, R. (2002), Religious Involvement and Status-Bridging Social Capital, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41 (4), 669 – 684.
- Yazdani Fard, F. (2019), *the impact of religious capital on economic development with an emphasis on the moral teachings of Islam*, master's thesis, Qom University, Faculty of Management and Economics (In Persian).
- Yousefi, A. A. (2008), *Alevi Economic System*, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought, 2008, first edition (In Persian).